

ضرورت بازتعریف جایگاه زنان در هندسه اقتصادی

شهناز محمودی – مدیر مسئول

در روزگاری که اقتصادهای نوظهور بر مدار بهره‌وری سرمایه انسانی و بهینه‌سازی منابع حرکت می‌کنند، الگوهای سنتی توسعه با بن‌بست‌های جدی مواجه شده‌اند. نمی‌توان چشم بر تحولات بنیادین در بافت جمعیتی و آموزشی بست و هم‌زمان انتظار شتاب‌بخشی به چرخ‌های رشد اقتصادی را داشت. نسل امروز زنان در جامعه ما با بهره‌مندی از تحصیلات عالی تخصصی، توان تحلیلی و انگیزه‌ای مضاعف، در نقطه‌ای ایستاده است که بی‌توجهی به پتانسیل‌های بالفعل و بالقوه آن، حاصلی جز اتلاف پرهزینه سرمایه ملی به همراه نخواهد داشت. بازتعریف نسبت میان توسعه کلان و مشارکت اجتماعی، دیگر یک انتخاب فانتزی یا ژست شبه‌مردن نیست؛ بلکه پیش‌شرطی حیاتی برای عبور از دست‌اندازه‌ای ساختاری اقتصاد و حفظ قوام نهاد خانواده به شمار می‌رود.

طی دهه‌های اخیر، یکی از بارزترین دستاوردهای اجتماعی، ارتقای خیره‌کننده شاخص‌های سواد و تحصیلات تکمیلی در میان زنان بوده است. صندلی‌های دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها و مراکز علمی گواه آن است که اشتیاق به یادگیری و کسب تخصص به بخشی از هویت زن امروز بدل شده است. اما چالش بنیادین درست از نقطه‌ای آغاز می‌شود که این خروجی ارزشمند نظام آموزشی باید وارد بازار کار، فرآیندهای مولد و تصمیم‌سازی‌های اجرایی شود.

شکاف آشکار میان نرخ بالای فارغ‌التحصیلی دانشگاهی و نرخ پایین اشتغال رسمی، نشانه یک عدم تعادل ساختاری در مدیریت منابع انسانی است. جامعه برای آموزش و ارتقای مهارت هر متخصص، هزینه‌های مستقیم و فرصت‌های مالی متعددی را سرمایه‌گذاری می‌کند؛ هنگامی که راه‌های ورود عادلانه به بازار کار مسدود یا ناهموار باشد، عملاً بخش قابل توجهی از این ثروت ملی راکد می‌ماند. توسعه با تکیه بر توان نیمی از جمعیت، مثل راندن خودرویی است که موتور آن تنها با نیمی از سیلندرهایش کار می‌کند؛ چنین اقتصادی هرچند با فشار پیش برود، هرگز به سرعت و پایداری مطلوب دست نخواهد یافت.

سال‌هاست که در ادبیات غیر کارشناسی، مشارکت شغلی زنان در تضاد مستقیم با کارکرد نهاد خانواده معرفی شده است. این دوقطبی‌سازی کاذب، پیامدی جز محدودسازی فرصت‌ها و کند کردن روند توسعه نداشته است. واقعیت این است که تحقق برابری فرصت‌های شغلی نه در تقابل با تحکیم خانواده، بلکه مکمل و تثبیت‌کننده آن است.

در مختصات کنونی اقتصاد، پایداری میشت خانواده به‌طور مستقیم به تنوع منابع درآمدی و تاب‌آوری مالی گره خورده است. زنی که مهارت دارد، نقش‌آفرینی اقتصادی می‌کند و دستاورد تخصصی دارد، استقلال تصمیم‌گیری، اعتمادبه‌نفس و کارآمدی بالاتری را به درون خانواده منتقل می‌سازد. مضاف بر این، حمایت از برابری در بسترهای شغلی به‌معنای یکسان‌انگاری ساختگی وظایف نیست؛ بلکه به‌معنای ایجاد چارچوب‌های منعطف، بسترهای حقوقی منصفانه و فرصت‌های برابر برای بروز شایستگی است تا هیچ استعدادی صرفاً به‌خاطر جنسیت پشت درهای گزینش و ارتقای شغلی متوقف نماند.

در شرایط نوسانات کلان اقتصادی و تکانه‌های تورمی، نخستین گروه‌هایی که در معرض فرسایش درآمدی یا حذف از ساختار اشتغال قرار می‌گیرند، کسب‌وکارهای خرد و مشاغل غیررسمی هستند؛ حوزه‌هایی که سهم عمده‌ای از فعالان آن را زنان سرپرست خانوار یا صاحبان فعالیت‌های خانگی و کارگاهی تشکیل می‌دهند.

آسیب دیدن این لایه‌های اقتصادی به‌معنای فروریختن ضربه‌گیر معیشت صدها هزار خانوار است. از این رو، نقش نهادهای مالی، به‌ویژه شبکه بانکی و صندوق‌های حمایتی، از یک ناظر خنثی باید به یک تسهیل‌گر فعال تغییر کند. ایجاد بسترهای ویژه اعتباری، تسهیل تضامین وام‌ها، و پشتیبانی هوشمندانه از زنجیره‌های تامین و فروش برای بانوانی که شغل و درآمدشان بر اثر فشارهای اقتصادی دچار لرزش شده، صرفاً یک بسته رفاهی نیست؛ بلکه نوعی سرمایه‌گذاری پیشگیرانه در مهار آسیب‌های اجتماعی و حفظ تعادل زنجیره مصرف در اقتصاد محلی محسوب می‌شود.

توسعه را نمی‌توان صرفاً در آمارهای رشد تولید ناخالص داخلی یا شاخص‌های صنعتی خلاصه کرد؛ کیفیت زیست، سلامت و امید به آینده، ستون‌های اصیل هر الگوی پیشرفت متوازن هستند. در این میان، زن و مادر نه‌تنها یک عضو جامعه، بلکه محور پیوند، تعادل عاطفی و مدیریت رفتارهای بهداشتی در ساختار خانه است.

فرسایش سلامت جسمی یا روحی مادران اثر دومینویی ویرانگری بر سلامت فرزندان، انگیزه تحصیلی نسل بعد و هزینه‌های درمانی خانوار دارد. ناتوانی در پیشگیری به‌موقع از بیماری‌های شایعی مانند سرطان‌ها یا نارسایی‌های اسکلتی–عضلانی و پوکی استخوان، بار سنگینی بر دوش بیمه‌ها و نظام بهداشت و درمان تحمیل می‌کند. ارتقای پیش‌های دوره‌ای، پوشش‌های جامع غربالگری و پیوند میان سیاست‌های بهداشتی با برنامه‌های حمایت اجتماعی، پیش‌نیازی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ پایداری کانون خانواده است. مادری که از سلامت جسمی و روانی برخوردار باشد، کانون انرژی و بهره‌وری را در خانه و سپس در بطن جامعه روشن نگاه می‌دارد.

توسعه زمانی رخ می‌دهد که جامعه از تمام ظرفیت‌های خود، بی‌هیچ تفریق یا نادیده‌انگاری، برای ساختن فردایی پایدار بهره بگیرد. فردا از هم‌اکنون ساخته می‌شود؛ مشروط بر آنکه درهای مشارکت را به روی نیمی از توانمندی‌های نهفته کشور باز بگشاییم.

اجاره پارکینگ شخصی ماهانه ۹ میلیون تومان

جهان اقتصاد بررسی می‌کند؛

زنان معدنکار؛ سهم ۱.۵ درصدی در صنعتی مردانه



فرصت‌های موجود را نادیده می‌گیرد. معدن فقط استخراج فیزیکی نیست؛ زمین‌شناسی، اکتشاف، مهندسی معدن، نقشه‌برداری، آزمایشگاه، کنترل کیفیت، ایمنی، محیط‌زیست، تحلیل داده و مدیریت عملیات نیز بخش‌هایی از زنجیره فعالیت معدنی هستند.

پیشرفت فناوری و استفاده از تجهیزات کنترل از راه دور و سامانه‌های پایش دیجیتال نیز می‌تواند شکل برخی مشاغل را تغییر دهد. در نتیجه، توسعه فرصت‌های شغلی زنان لزوماً به معنای کنار گذاشتن الزامات ایمنی یا نادیده گرفتن تفاوت‌های عملیاتی نیست؛ بلکه مستلزم آن است که استخدام و ارتقای شغلی بر مبنای صلاحیت حرفه‌ای، استانداردهای ایمنی و نیاز واقعی هر موقعیت انجام شود.

از سوی دیگر، اگر مسیر ارتقا از مشاغل کارشناسی به سرپرستی و مدیریت برای زنان محدود باشد، افزایش تعداد استفاده‌ها به‌تنهایی به معنای برابری فرصت‌ها نخواهد بود. برای بررسی این مسئله در ایران، انتشار اطلاعات تفکیک‌شده درباره جنسیت و رده شغلی ضروری است.

اشتغال زنان در معدن چه اهمیتی برای اقتصاد دارد؟

معدن یکی از بخش‌های مرتبط با زنجیره تولید صنعتی و تأمین مواد اولیه است. محدود ماندن دسترسی به فرصت‌های شغلی تخصصی، فارغ از جنسیت، می‌تواند بخشی از ظرفیت نیروی انسانی آموزش‌دیده را از بلااستفاده بگذارد. در مقابل، جذب نیرو بر اساس شایستگی و فراهم کردن شرایط مناسب برای ماندگاری کارکنان می‌تواند به گسترش دامنه

حضور زنان را نشان می‌دهد؛ اما برای مقایسه دقیق سال‌به‌سال باید از یکسان بودن تعریف آماری، پوشش معدن و روش شمارش اطمینان داشت. بنابراین این ارقام برای نشان دادن جهت کلی تغییر مفیدند، نه برای نتیجه‌گیری قطعی درباره سرعت پیشرفت زنان در همه مشاغل معدنی.

معدن در جهان هم صنعتی مردانه است

محدود بودن حضور زنان در معدن، فقط مختص ایران نیست. سازمان بین‌المللی کار اعلام کرده است که زنان کمتر از یک‌پنجم نیروی کار برآوردشده ۲۱.۴ میلیون نفری این صنعت را تشکیل می‌دهند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز در گزارشی درباره حکمرانی مواد معدنی حیاتی، سهم زنان از نیروی کار معدن در سطح جهان را حدود ۱۵ درصد برآورد کرده است. این ارقام به دلیل تفاوت در پوشش و روش محاسبه الزاماً مستقیماً قابل مقایسه نیستند، اما هر دو از پایین بودن مشارکت زنان در این صنعت حکایت دارند. در گزارش OECD، عواملی مانند محدودیت‌های ساختاری، شرایط کار در مناطق دورافتاده، شیفت‌های طولانی، کمبود خدمات پشتیبانی و تمرکز زنان در مشاغل اداری از جمله موانع مشارکت برابر معرفی شده‌اند. این عوامل را نمی‌توان بدون داده‌های اختصاصی به همه معدان ایران تعمیم داد، اما چارچوب مناسبی برای بررسی موانع احتمالی در بازار کار معدنی کشور فراهم می‌کنند.

مانع فقط سختی کار نیست
وقتی از اشتغال زنان در معدن صحبت می‌شود، بحث اغلب به توان جسمی یا دشواری کار در محیط‌های معدنی محدود می‌شود. این نگاه، بخش بزرگی از



در صنعتی که بخش مهمی از ارزش‌آفرینی آن به استخراج منابع زیرزمینی، ماشین‌آلات سنگین و فعالیت‌های فنی وابسته است، زنان هنوز سهم بسیار محدودی از نیروی کار را تشکیل می‌دهند. آمارهای موجود از معدن ایران نشان می‌دهد شمار زنان شاغل در این بخش افزایش یافته، اما حضور آن‌ها همچنان در مقایسه با کل نیروی کار معدنی بسیار اندک است. مسئله فقط ورود زنان به محیط معدن نیست؛ پرسش مهم‌تر این است که آیا بازار کار معدنی فرصت برابر برای استخدام، ارتقای شغلی و حضور در مشاغل تخصصی و مدیریتی فراهم می‌کند؟

بیش از ۲۲۰۰ زن در برابر ۱۴۴ هزار شاغل
بر اساس گزارش منتشرشده از نتایج آمارگیری معدن ایران در سال ۱۴۰۲، تعداد معادن فعال کشور به ۶ هزار و ۴۵۱ معدن و شمار شاغلان این بخش به ۱۴۴ هزار و ۸۷ نفر رسیده است. در همین گزارش، تعداد زنان شاغل در معدن بیش از ۲۲۰۰ نفر اعلام شده؛ رقمی که نسبت به سال قبل حدود ۵۰۰ نفر افزایش داشته است. با محاسبه این ارقام، سهم زنان از کل شاغلان معدن حدود ۱.۵ درصد یا اندکی بیشتر می‌شود.

این آمار یک نکته مهم دارد: افزایش تعداد زنان شاغل، نشانه‌ای از گسترش حضور آن‌هاست، اما به‌تنهایی نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که موانع ورود به این صنعت کاهش یافته یا فرصت‌های شغلی برابرتر شده است. برای چنین ارزیابی‌ای، باید اطلاعاتی درباره نوع شغل، سطح تحصیلات، قرارداد، دستمزد، سابقه کاری و جایگاه سازمانی زنان نیز در دسترس باشد.

همچنین، رقم بیش از ۲۲۰۰ نفر به کل اشتغال ثبت‌شده در بخش معدن مربوط است و نباید آن را معادل تعداد زبانی دانست که مستقیماً در تونل‌ها، جبهه‌های استخراج یا عملیات سنگین معدنی کار می‌کنند. بدون تفکیک شغلی، نمی‌توان سهم زنان در کار مستقیم استخراج را با دقت تعیین کرد.

آمار قدیمی‌تر چه می‌گوید؟

داده‌های منتشرشده از آمارگیری سال ۱۴۰۰ مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تعداد زنان شاغل در معدن در حال بهره‌برداری از یک‌هزار و ۶۰۷ نفر در سال ۱۳۹۹ به یک‌هزار و ۷۹۷ نفر در سال ۱۴۰۰ رسیده بود؛ افزایشی معادل ۱۹۰ نفر. در همان سال، کل شاغلان معدن در حال بهره‌برداری ۱۳۰ هزار و ۳۵۸ نفر گزارش شده بود.

مقایسه این ارقام با آمار سال ۱۴۰۲، روند افزایشی

حمید پورمحمدی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، در تشریح برنامه‌های این سازمان در حوزه بودجه‌ریزی، آمار، سلامت، انرژی و هوشمندسازی خدمات، از نهایی‌سازی لایحه بودجه ۱۴۰۶ در آذرماه، مراجعه حضوری آمارگیران به خانوارهای دارای اطلاعات ناقص و استفاده از هوش مصنوعی در آمایش سرزمین و عدالت آموزشی خبر داد.

بودجه ۱۴۰۶؛ معیشت و کاهش وابستگی به نفت

پورمحمدی گفت: لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ ظرف یک ماه آینده در دولت

نهایی و در زمان مقرر به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌شود.

وی با اشاره به فشارهای تورمی، بهبود معیشت کارمندان و بازنشستگان و برقراری عدالت در پرداخت‌ها را از محورهای اصلی بودجه سال آینده دانست و افزود: دولت با جابه‌جایی منابع به دنبال کاهش اکتا به درآمدهای نفتی است.

تکمیل اطلاعات ۱,۳ میلیون خانوار با مراجعه حضوری

رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به اجرای سرشماری ثبتی‌مینا گفت: پس از پایان این فرایند، حدود ۳ هزار آمارگیر به منازل خانوارهایی مراجعه می‌کنند که اطلاعاتشان ناقص مانده است.

به گفته وی، اطلاعات حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار خانوار ناقص است و فرم‌های این خانوارها به‌صورت دستی تکمیل خواهد شد. پیش از اجرای طرح، سازمان نقشه‌برداری کشور، کل کشور را به بلوک‌های مشخص تقسیم کرده تا هر بخش در اختیار گروهی از آمارگیران قرار گیرد.

پورمحمدی توضیح داد که مراجعه حضوری به خانوارهایی انجام می‌شود که به هر دلیل امکان ارتباط‌گیری با حاکمیت را ندارند؛ از جمله سالمندان و بیمارانی که در منزل حضور دارند. وی افزود با تکمیل این اطلاعات و تطبیق داده‌های سامانه‌های کشور، امکان به‌روزرسانی آمار و شناسایی دقیق‌تر خانوارهای نیازمند، خانوارهای دارای مشکل مسکن، بیماران خاص و خانواده‌های حاشیه‌نشین فراهم می‌شود تا حمایت‌ها هدفمندتر باشد.

محب و پرداخت مستقیم به ذی‌نفع نهایی

پورمحمدی سکوی یکپارچه هوشمند مدیریت مالی دولت، موسوم به «محب»، را از طرح‌های مهم سازمان برنامه و بودجه معرفی کرد و گفت این سکو با حذف واسطه‌ها، منابع مالی را مستقیماً به ذی‌نفع نهایی می‌رساند. بر اساس توضیحات ارائه‌شده، کاهش رسوب منابع در مسیر تخصیص بودجه و افزایش شفافیت مالی از نتایج این روش عنوان شده است. به گفته مسئولان، اجرای این سازوکار زمینه افزایش ۲,۵ برابری سرانه مدارس طی یک‌ونیم سال گذشته را فراهم کرده است. این طرح با هدف حرکت به سمت بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد، تخصیص هدفمند منابع و افزایش اثربخشی هزینه‌های دولت دنبال می‌شود.

هوش مصنوعی در خدمت آمایش سرزمین

رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به کاربرد هوش مصنوعی در مطالعات آمایش سرزمین گفت: شناسایی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر منطقه به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند محل مناسب‌تری برای احداث واحدهای تولیدی انتخاب کنند.

وی افزود انتخاب درست محل سرمایه‌گذاری می‌تواند هزینه‌های حمل‌ونقل، مصرف آب و انرژی و آسیب‌های زیست‌محیطی را کاهش دهد. هوش مصنوعی با تکیه بر مطالعات آمایش سرزمین، دسترسی سرمایه‌گذاران به اطلاعات مناطق مختلف را تسریع می‌کند تا به‌جای ماه‌ها پیگیری اداری، سریع‌تر از ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها مطلع شوند.

کاهش بروکراسی رتبه‌بندی پیمانکاران

پورمحمدی با اشاره به مسئولیت سازمان برنامه و بودجه در صدور مجوز و رتبه‌بندی پیمانکاران، شرکت‌های مشاوره و شرکت‌های انفورماتیک گفت: پیمانکاران در پنج رتبه رتبه‌بندی می‌شوند و هر رتبه میزان پروژه‌هایی را که شرکت می‌تواند دریافت کند مشخص می‌کند. وی توضیح داد که در گذشته تغییر رتبه پیمانکار ممکن بود بیش از هشت ماه طول بکشد؛ زیرا شرکت‌ها باید مدارک مربوط به تعداد مهندسان، مدارک دانشگاهی، قراردادهای گردش مالی را جمع‌آوری و برای تکمیل پرونده به چندین محل مراجعه می‌کردند. به گفته وی، این فرایند زمینه ارائه مدارک جعلی، قراردادهای صوری و تخلف را نیز فراهم می‌کرد.

رئیس سازمان برنامه و بودجه افزود اکنون سامانه‌های این سازمان به دانشگاه‌ها، نظام قراردادی و شبکه بانکی متصل شده‌اند و اطلاعات مورد نیاز به‌صورت هوشمند جمع‌آوری و صلاحیت شرکت‌ها بررسی می‌شود. وی گفت فرایندی که پیش‌تر به دریافت ده‌ها هزار نامه نیاز داشت، اکنون در چند دقیقه انجام می‌شود.

پورمحمدی همچنین از استفاده از هوش مصنوعی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فنی پیمانکاران خبر داد و گفت الزامات و استانداردهای فنی ساخت‌وسازهایی مانند پل، بیمارستان و مدرسه در این سازوکار قرار گرفته است تا هزینه پیمانکاران کاهش یابد و دقت اجرای سازه‌ها افزایش پیدا کند پورمحمدی با اشاره به اختصاص سالانه حدود ۳ میلیارد دلار ارز ترجیحی به حوزه بهداشت و درمان گفت افزایش هزینه‌های درمان و سهم پرداختی بیماران، ضرورت بازنگری در سازوکار تخصیص این منابع را مطرح کرده است وی اصلاح نظام ارجاع، کاهش هزینه‌های غیرضروری درمان و هدایت حمایت‌های دولتی به ذی‌نفعان اصلی را از محورهای مورد بررسی برای بودجه سلامت سال آینده برشمرد و هدف این اقدامات را افزایش اثربخشی منابع و کاهش فشار هزینه‌های درمان بر مردم دانست.

این فضاها، بسته به موقعیت مکانی، امکانات، ظرفیت و نوع کاربری، تفاوت قابل توجهی دارد. برای مثال، در بازار پارکینگ‌های شخصی و همکف تا پارکینگ‌های عمومی، گرفتن در طبقه همکف یا زیرهمکف، دسترسی آسان، امنیت و نداشتن مزاحمت برای سایر خودروها در تعیین مبلغ اجاره نقش مهمی دارند. اما در فضاهای بزرگ‌تر،

استاندهای در دسترس بنگاه‌ها کمک کند. این موضوع برای مناطق معدنی نیز اهمیت دارد. توسعه فرصت‌های شغلی تخصصی برای زنان بومی، در صورت همراهی با آموزش فنی، دسترسی ایمن به محل کار و قراردادهای پایدار، می‌تواند دامنه مشارکت اقتصادی محلی را افزایش دهد. البته چنین نتیجه‌ای خودکار نیست و به کیفیت مشاغل ایجادشده و شرایط واقعی استخدام بستگی دارد.

چه باید کرد؟

برای عبور از حضور محدود زنان در معدن، سیاست‌گذاری باید از اقدامات نمادین فراتر برود:

انتشار آمار شفاف: تعداد زنان باید بر اساس نوع معدن، استان، شغل، سطح مدیریتی و نوع قرارداد منتشر شود تا تصویر دقیقی از وضعیت اشتغال به دست آید.

گسترش آموزش تخصصی: پیوند دانشگاه‌ها و مراکز آموزش فنی با شرکت‌های معدنی می‌تواند مسیر ورود زنان به رشته‌های موردنیاز صنعت را تقویت کند.

اصلاح فرایند استخدام و ارتقا: معیارهای روشن و قابل سنجش برای استخدام، دستمزد و پیشرفت شغلی باید مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد.

توجه به ایمنی و زیرساخت کار: تجهیزات حفاظت فردی مناسب، امکانات بهداشتی، حمل‌ونقل ایمن و شرایط استاندارد اقامت و شیفت، برای همه کارکنان ضروری است. ارزیابی نتایج به‌جای اعلام هدف: موفقیت سیاست‌ها باید با شاخص‌هایی مانند ماندگاری نیروی کار، ارتقای شغلی و کاهش شکاف‌های قابل اندازه‌گیری سنجیده شود.

جمع‌بندی؛ افزایش تعداد کافی نیست

افزایش شمار زنان شاغل در معادن ایران به بیش از ۲۲۰۰ نفر، بر اساس آمار سال ۱۴۰۲، نشانه‌ای مثبت از گسترش حضور آن‌هاست؛ اما سهم حدود ۱.۵ درصدی از کل شاغلان نشان می‌دهد حضور زنان همچنان محدود است. این ارقام به‌تنهایی درباره علت این وضعیت یا میزان تبعیض در بازار کار حکم قطعی صادر نمی‌کنند؛ برای چنین قضاوتی به داده‌های تفصیلی‌تر نیاز داریم.

آنچه روشن است، ضرورت عبور از نگاه نمادین به اشتغال زنان و حرکت به سمت سنجش واقعی فرصت‌هاست، چه تعداد وارد صنعت می‌شوند، در چه مشاغلی فعالیت می‌کنند، چه میزان امنیت شغلی دارند و تا چه اندازه امکان پیشرفت حرفه‌ای برایشان فراهم است معیار پیشرفت، فقط افزایش شمار زنان معدنکار نیست؛ مهم این است که زنان متخصص بتوانند بر اساس توانایی و صلاحیت خود وارد این صنعت شوند، در آن بمانند و فرصت رشد داشته باشند.

هوش مصنوعی و برنامه‌های عدالت آموزشی

رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت در دو سال اخیر با همکاری معاونت علمی ریاست‌جمهوری، وزارت آموزش و پرورش، وزارت ارتباطات و سازمان برنامه و بودجه، سازوکاری برای توسعه عدالت آموزشی طراحی شده که قرار است در اختیار آموزش و پرورش قرار گیرد.

وی با بیان اینکه ساخت مدرسه به‌تنهایی برای تحقق عدالت آموزشی کافی نیست، توضیح داد که در این سازوکار با استفاده از هوش مصنوعی، استعداد دانش‌آموزان از طریق ارزیابی عملکرد آنها در محیط دیجیتال بررسی می‌شود تا مشخص شود سرمایه‌گذاری آموزشی باید بر کدام توانایی‌ها متمرکز شود. به گفته وی، این روش برای سنجش برخی مشکلات جسمی و روحی و روانی دانش‌آموزان نیز در نظر گرفته شده و می‌تواند به تحقق عدالت آموزشی در مناطق کمتر برخوردار کمک کند.

پورمحمدی همچنین از آموزش معلمان بدون نیاز به حضور خبر داد و گفت با همکاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت علمی ریاست‌جمهوری، سازوکاری برای کمک به حفظ زبان فارسی در عصر هوش مصنوعی طراحی شده است.

وی در بخش دیگری از اظهارات خود درباره کالابریگ گفت برای افرادی که سامانه‌ها درآمد آنها را کمتر از سطح تعیین‌شده نشان می‌داد، پیامک ارسال شد. پس از تأیید افراد و بررسی وضعیت درآمدی آنها، اعتبار کالابریگ برخی خانوارها افزایش یافت.

هشدار درباره ناترازی گاز و احتمال جریمه پرمصرف‌ها

پورمحمدی با اشاره به احتمال سردتر بودن زمستان پیش‌رو و ناترازی گاز گفت بخشی از تأسیسات تولید گاز در جنگ اخیر آسیب دیده است و با وجود جریان بخشی از خسارات و بازگشت واحدها به مدار تولید، مدیریت مصرف ضروری است.

وی اظهار کرد اگر مصرف گاز از هم‌اکنون مدیریت نشود، ممکن است برخی استان‌ها در تأمین گاز با مشکل مواجه شوند. به گفته وی، کاهش ۱۰ درصدی مصرف می‌تواند به عبور از زمستان کمک کند.

رئیس سازمان برنامه و بودجه هشدار داد خانوارهایی که الگوی مصرف گاز را رعایت نکنند، جریمه خواهند شد. وی همچنین گفت در صورت افت فشار، احتمال قطع گاز یک شهر وجود دارد، نه فقط یک یا دو واحد مسکونی.

پورمحمدی در ادامه گفت با برنامه‌ریزی دولت و همکاری مردم، روند رشد مصرف برخی حامل‌های انرژی کنترل شده و به سمت منفی شدن حرکت کرده است. وی با اشاره به واردات سالانه ۱.۵ میلیارد دلار گازوئیل تا سال گذشته افزود رشد ۷ درصدی مصرف بنزین نیز متوقف شده و روندی کاهشی پیدا کرده است.

خودرو، حتی در محدوده‌های مسکونی، می‌تواند رقم قابل

توجهی باشد و با قیمت اجاره ماهانه یک خانه در مناطق

حاشیه‌ای تهران برابری کند. به‌طوری که اجاره ماهانه

یک جای پارک شخصی در برخی مناطق به ۹ میلیون

تومان می‌رسد و اجاره یک پارکینگ تجاری با ظرفیت

بالا از ۳۵۰ میلیون تومان در ماه فراتر می‌رود.

رایزنی گازی ایران با اعضای مجمع کشورهای صادرکننده گاز در مسکو

سرپرست وزارت نفت، از رایزنی‌های گازی ایران با اعضای مجمع سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز، خبر داد و توسعه میادین و تبادل گازی را محور همکاری‌های نفتی ایران و روسیه اعلام کرد.

سرپرست وزارت نفت برای شرکت در بیست‌وهشتمین نشست وزارتی مجمع کشورهای صادرکننده گاز (جی‌ئی‌سی‌اف) و همراهی مسعود یزشکینان، رئیس‌جمهور در هشتمین نشست سران این مجمع، با استقبال کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه و جمعی از مقام‌های وزارت انرژی روسیه وارد فرودگاه شرمیتووی مسکو شد.

حمید بوره، هم‌زمان با سفر به مسکو برای شرکت در هشتمین نشست سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز اظهار کرد: هم مواضعمان را در این نشست اعلام می‌کنیم و هم نشست‌های دوجانبه با وزرای مربوطه خواهیم داشت. درباره همکاری‌های فی‌مابین هم حتما مذاکراتی خواهیم داشت.

سرپرست وزارت نفت تصریح کرد: باید هم موضوع حفظ زیرساخت‌ها را در جنگ‌ها بررسی کنیم و هم موضوع مبادلات گازی با کشورها را پیگیری کنیم. همچنین باید برای ایجاد بازار مشترک و اتخاذ سیاست‌های یکسان در حوزه صادرات در دنیا بحث و گفت‌وگو کنیم.

وی گفت: با مقام‌های شرکت‌های روس روابط خوبی داریم؛ برای توسعه میادین با آنها قرارداد داریم و درباره تبادل گازی هم در حال گفت‌وگو هستیم.

او همچنین در گفت‌وگوی دیگری اظهار کرد: ایران از بنیانگذاران جی‌ئی‌سی‌اف است و ما با کشورهای عضو درباره برنامه تولید و هم مشارکت‌های حوزه انرژی مذاکره خواهیم داشت. در این نشست مواضعمان را درباره جنایت‌های آمریکا و بمباران زیرساخت‌هایمان اعلام خواهیم کرد. در نشست پیشین رؤسای جمهور ایران و روسیه توافق‌های کلی برای تبادل گاز انجام شد؛ در حال حاضر مراحل فنی اجرای کار پیش می‌رود و توافق تقریباً نهایی شده است. قصد توسعه همکاری‌های اقتصادی میان ایران و روسیه به‌ویژه در حوزه نفت و گاز را داریم.

وزیر نفت برای رفع ناترازی انرژی و افزایش بهره‌وری راهکار داشته باشد

نماینده هشترد در مجلس با تاکید بر ضرورت انتخاب مدیری توانمند برای وزارت نفت گفت: وزیر نفت آینده باید بتواند میان ظرفیت‌های گسترده نفت و گاز کشور و نیازهای واقعی مردم و بخش تولید ارتباط برقرار کند و برای مشکلاتی همچون ناترازی انرژی و افزایش بهره‌وری راهکارهای عملی داشته باشد.

فرامرز شاهسواری با اشاره به اهمیت عملکرد وزارت نفت در تامین نیازهای کشور اظهار کرد: نتیجه مدیریت در صنعت نفت باید در بخش‌های مختلف اقتصادی و زندگی مردم قابل مشاهده باشد. این وزارتخانه علاوه بر مسئولیت‌های مرتبط با تولید و صادرات، در تامین سوخت و انرژی مورد نیاز بخش‌های مختلف نیز نقش مهمی دارد و تصمیم‌های آن می‌تواند بر فعالیت صنایع و روند تولید اثر بگذارد.

وی افزود: یکی از موضوعاتی که وزیر آینده باید با جدیت دنبال کند، مدیریت مصرف و استفاده بهینه از منابع انرژی است. کشور از ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه نفت و گاز برخوردار است، اما برای بهره‌برداری مؤثر از این ظرفیت‌ها باید برنامه‌ریزی دقیقی در زمینه تولید، انتقال، توزیع و مصرف وجود داشته باشد. نمی‌توان تنها با افزایش تولید به همه مسائل پاسخ داد و لازم است مجموعه عوامل مؤثر بر وضعیت انرژی کشور به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد.

این نماینده مجلس با اشاره به ضرورت انتخاب مدیری آشنا با شرایط صنعت نفت تصریح کرد: اداره این وزارتخانه نیازمند شناخت مسائل فنی و اجرایی و همچنین توان هماهنگی میان بخش‌های مختلف است. مدیری که سابقه فعالیت در این صنعت را داشته باشد، با بخشی از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های موجود آشناست و می‌تواند با شناخت بیشتری درباره اولویت‌های اجرایی تصمیم بگیرد.

وی افزود: البته مهم است که وزیر آینده بتواند از تجربه مدیریتی خود برای حل مسائل موجود استفاده کند و برنامه‌های مشخصی برای بهبود عملکرد مجموعه داشته باشد. آنچه برای مجلس اهمیت دارد، صرفاً سوابق افراد نیست؛ بلکه باید مشخص شود که گزینه پیشنهادی برای رفع مشکلات چه برنامه‌ای دارد و چگونه می‌خواهد آن را به مرحله اجرا برساند. نماینده مردم هشترد با تاکید بر ضرورت توجه به آثار تصمیم‌های وزارت نفت بر بخش تولید اظهار کرد: تامین پایدار انرژی برای واحدهای صنعتی و تولیدی اهمیت زیادی دارد و هرگونه اختلال در این زمینه می‌تواند بر هزینه‌ها و روند فعالیت آن‌ها اثر بگذارد. وزیر آینده باید با نگاهی جامع، هم نیازهای بخش خانگی را در نظر بگیرد و هم برای تامین انرژی مورد نیاز تولید و صنعت برنامه‌ریزی کند.

شاهسواری همچنین بر لزوم توجه به نگهداشت و توسعه زیرساخت‌های صنعت نفت تاکید کرد و گفت: بخشی از مشکلات با تصمیم‌های کوتاه‌مدت برطرف نمی‌شود و به برنامه‌ریزی بلندمدت، اجرای پروژه‌های زیرساختی و تامین منابع نیاز دارد. در این مسیر، اولویت‌بندی طرح‌ها و پیگیری مستمر آنها اهمیت زیادی دارد تا منابع موجود به شکل مؤثرتری مورد استفاده قرار گیرد.

وی با اشاره به نقش نیروی انسانی در پیشبرد برنامه‌های وزارت نفت افزود: استفاده از تجربه کارشناسان و کارکنان این مجموعه باید در دستور کار مدیران قرار داشته باشد. تصمیم‌هایی که با شناخت واقعیت‌های عملیاتی و مشارکت نیروهای متخصص اتخاذ شوند، امکان اجرای دقیق‌تری خواهند داشت و می‌توانند به بهبود عملکرد بخش‌های مختلف کمک کنند.

این نماینده مجلس در پایان با بیان اینکه وزیر پیشنهادی نفت باید برنامه‌ای روشن برای مدیریت چالش‌های این حوزه ارائه کند، خاطرنشان کرد: انتظاری می‌رود فردی مسئولیت این وزارتخانه را بر عهده بگیرد که ضمن برخورداری از تجربه و شناخت کافی، در برابر نتایج تصمیم‌های خود پاسخ‌گو باشد.

«جهان اقتصاد» گزارش می دهد

بن‌بست‌های نامرئی سرمایه‌گذاری در گذار انرژی ایران



مکان‌یابی، استاندارد و از حیث مجوزهای زیست‌محیطی و شبکه برق تسطیح اداری کنند. طراحی «بسته‌های سرمایه‌گذاری بی‌نام» و آماده‌باجرا، به‌ویژه با تکیه بر ظرفیت‌های نوین قوانین تأمین مالی تولید و زیرساخت، می‌تواند این دوره فریز سرمایه را از ماه‌ها به چند روز کاهش دهد.

دومین گردنه، ثبت سفارش و تأمین سخت‌افزار است. با آنکه دانش بومی طراحی و نصب در کشور به بلوغ نسبی رسیده، اما تأمین فناوری‌های اصلی همچنان به واردات وابستگی بالایی دارد. در اینجا سرمایه‌گذار با دیوار بلند صف‌های تخصیص ارز، نوسانات نرخ برابری و هزینه‌های مازاد لجستیکی و حمل‌ونقل روبه‌رو می‌شود. در پروژه‌ای که حاشیه سود آن با دقت محاسبه شده، تأخیر چندماهه در گمرک یا چند پله افزایش هزینه حمل، تمام مدل مالی پروژه را واژگون می‌کند. راه‌حل این اصطکاک مزمن، ایجاد «خط سبز ارزی» برای ترخیص قطعات نیروگاهی و دادن اولویت مطلق به تجهیزات است که سریع‌تر قابلیت اتصال به شبکه و کاستن از بار ناترازی را دارند. معطل ماندن کانتینرهای پتل خورشیدی در مبادی ورودی، گران‌ترین نوع بی‌تدبیری در مدیریت انرژی است. اما هسته سخت این ماجرا، نه خاک است و نه فلز، بلکه «تأمین مالی اولیه» است. نیروگاه‌های تجدیدپذیر

در پی نرخ‌های سنگین کرایه نفتکش‌ها

جریان نفت خام آمریکا به آسیا فلج شد

— و تلاش تولیدکنندگان خاورمیانه‌ای برای خارج کردن نفت از طریق تنگه هرمز — موجب اختلال شدید در بازار جهانی نفتکش‌ها شد و بحران حمل‌ونقل را به بحران‌های موجود در زمینه عرضه نفت و سوخت افزود. این جنگ باعث تغییر در مسیرها و الگوهای تجاری شده و تعداد بیشتری از نفتکش‌ها را درگیر سفرهای طولانی و ناکارآمد کرده است.

بر اساس داده‌های شرکت «کپلر»، ناوگان فعال در دریای عمان به حدود ۸۰ فروند نفتکش بسیار بزرگ (VLCC) افزایش یافته است. با این حال، میانگین زمان یک سفر رفت‌وبرگشت به ۲۳ روز رسیده که بیش از دو برابر زمان بهینه (۹ تا ۱۰ روز) برای یک سفر رفت‌وبرگشت از بصره در عراق به بندر صحرار در سواحل عمان است.

علاوه بر این، ثبت نرخ‌های بی‌سابقه برای حمل نفت خام از خلیج فارس و دریای عمان، نفتکش‌ها را به سمت تجارت در خاورمیانه، جذب کرده و در نتیجه، بازار در سایر نقاط جهان با کمبود کشتی مواجه شده است.

رندی هاوکینز، معاون بخش تامین و تجارت بین‌المللی نفت خام در شرکت «والرو انرژی»، در جلسه اعلام درآمد‌های این شرکت پالایشگاهی آمریکایی گفت که در حال حاضر، نرخ‌های حمل‌ونقل دریایی مهم‌ترین مسئله در بازار هستند.

هاوکینز اظهار کرد: «هزینه انتقال نفت با یک ابرتفتکش از منطقه گلف کاست آمریکا به آسیا، اکنون به‌طور میانگین حدود ۲۰ تا ۲۵ دلار به ازای هر بشکه است؛ این در حالی است که میانگین این هزینه در سال ۲۰۲۵، حدود ۵ دلار به ازای هر بشکه بوده است.»

این جهش در هزینه‌های حمل‌ونقل «باعث اختلالات شدیدی در قیمت‌گذاری جهانی نفت خام شده است، زیرا پالایشگاه‌ها به دنبال یافتن

هزینه‌های نگهداری را پرداخت کند، وقتی نقدینگی ناشی از تولید در دلان‌های دیون دولتی رسوب کرده است؟ صرف وجود یک امضا پای برگه‌ای با عنوان تضمین، بدون جریان نقدی زنده و منظم، بیش از آنکه محرک باشد، ضد امنیت سرمایه‌گذاری عمل می‌کند.

پادزهر رهایی از خرید انحصاری دولت، تجارت در بورس انرژی و بازار برق سبز است؛ جایی که صنایع تشنه برق پایدار مستقیماً با نیروگاه‌دار روبه‌رو می‌شوند. اما این بازار نوپا هنوز در ابعاد یک تابلوی محدود معامله می‌شود و عمق لازم برای میزبانی از ظرفیت‌های گیگاواتی را پیدا نکرده است.

برای آنکه تابلوی سبز از یک ژست معاملاتی به اهرم توسعه تبدیل شود، باید کف تقاضا به شکلی نظام‌مند تحریک گردد. الزام قانونی مشترکان بزرگ تجاری، اداری و صنعتی به تأمین سهم مشخصی از بار مصرفی خود از بورس سبز و تخصیص مستقیم جرمه‌های ناشی از عدم تمکین به خزانه توسعه انرژی‌های پاک، می‌تواند تقاضا را پایدار کند. افزون بر این، تبدیل قراردادهای تضمینی قدیمی به اوراق قابل معامله در بورس و تضمین صددرصدی عدم قطعی برق خریداری‌شده از این تالار، نقدشوندگی را تضمین خواهد کرد.

توسعه انرژی‌های نو در کشور تا زمانی که در اتاق‌های مجزا و بدون اتصال به هم تصمیم‌گیری شود، در همین دور باطل خواهد چرخید. زمین رایگان و آماده بدون ارز بی‌فایده است؛ ورود تجهیزات بدون وام بانکی ناممکن است؛ و دریافت وام بدون درآمد پایدار حاصل از فروش برق به شکست می‌انجامد. زنجیره گذار انرژی در ایران نیازمند همت‌رازی اراده‌هاست: ارتقای رتبه اعتباری نیروگاه‌ها در نظام بانکی، گسترش تالار سبز با حذف قیمت‌گذاری‌های تصنعی و تسویه واقعی تعهدات دولتی پروژه‌های خورشیدی و بادی تنها با ابلاغیه و تصویب آیین‌نامه قد نمی‌کنند. اگر می‌خواهیم ناترازی برق، صنایع را به ورطه خاموشی نکشاند و سوخت بالارزش فسیلی در نیروگاه‌های فرسوده دود نشود، باید زمین بازی را از «سرمایه‌گذاری حمایتی و نفتی» به «اقتصاد رقابتی و سودآور» تغییر دهیم. خورشید رایگان می‌تاید، اما مهر آن نیازمند معماری هوشمندانه پولی است که در آن، هر ریال سرمایه‌گذاری مسیر بازگشت خود را به وضوح ببیند.

محموله‌هایی در نزدیکی خود هستند و فروشنندگان نیز ناچارند برای جبران هزینه‌های حمل‌ونقل، تخفیف‌هایی را روی قیمت نفت اعمال کنند.» خریداران آسیایی در حال روی آوردن به نفت خام بیشتری از خاورمیانه هستند، اما برای کاهش هزینه‌ها، نفت را به صورت «تحویل در مقصد» خریداری می‌کنند.

در اروپا نیز، پالایشگاه‌ها به دلیل افزایش شدید نرخ کرایه نفتکش‌ها، ترجیح می‌دهند نفت مورد نیاز خود را از منابع نزدیک‌تر در داخل منطقه تأمین کنند. افزایش تقاضا برای نفت خام اروپا و خاورمیانه موجب بالا رفتن «نرخ اضافی» برای برخی از انواع نفت شده است.

هفته گذشته، شاخص «برنت تاریخ‌دار» (Dated Brent) با نرخ اضافی بی‌سابقه — ۲۰ دلار بالاتر از قیمت پایه برنت — معامله شد.

همچنین بر اساس داده‌های شرکت «جوهان سوردروپ» (Johan Sverdrup) نروژ — که نفتی با غلظت متوسط و گوگرد بالاست — با نرخ اضافی رکوردشکن ۲۴ دلار بالاتر از قیمت برنت معامله شده است. از سوی دیگر، به دلیل هزینه‌های بالای حمل‌ونقل برای حمل این حجم از نفت خام در سفرهای طولانی به آسیا، نرخ‌های اضافی کاهش یافته و تخفیف‌ها افزایش یافته است. قیمت نفت خام غرب آفریقا به پایین‌ترین حد خود رسیده است و برخی از گریدها برای جبران هزینه‌های بالای حمل و نقل به منفی ۲۰ دلار در هر بشکه رسیده‌اند. بر اساس گزارش اوپل پرایس، در بازار آمریکا، نرخ اضافی نفت خام ترش متوسط «هارس» خلیج مکزیک آمریکا که مشابه بسیاری از گریدهای نفتی خاورمیانه است، به ۶ دلار در هر بشکه رسید که در مقایسه با نرخ اضافی ۱۷.۵۰ دلار در پایان ماه مارس، کاهش نشان می‌دهد.

مدیرعامل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی اعلام کرد

تغییر الگوی سوخت‌گیری برای کاهش مصرف

مصوبه دستگاه‌های تعیین‌شده موظف به اجرای اقدامات مرتبط با برنامه مذکور هستند. در راهبرد ششم این مصوبه موضوع تخصیص بهینه و هدفمند سوخت به خودروها و موتورسیکلت‌های شخصی مورد تأکید قرار گرفته است.

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با اشاره به مفاد این راهبرد گفت: یکی از محورهای پیش‌بینی‌شده در این مصوبه ایجاد امکان شناسه‌دار کردن هر نوع سوخت‌گیری برای خودروها و موتورسیکلت‌های شخصی است. طرح شناسه‌دار کردن سوخت‌گیری با کارت اضطراری جایگاه نیز در همین چارچوب و با هدف شناسایی دقیق‌تر اطلاعات مربوط به سوخت‌گیری اجرا می‌شود. ویس‌کرمی با اشاره به آغاز اجرای آزمایشی این طرح در استان تهران اظهار کرد:

در استان تهران حدود ۳۶۰ جایگاه سوخت وجود دارد که تاکنون ۲۵۰ جایگاه به این طرح تجهیز شده‌اند و اجرای آن به‌صورت آزمایشی در حال انجام است. در اجرای این طرح تلاش می‌شود امکان شناسه‌دار کردن سوخت‌گیری‌هایی که با کارت اضطراری جایگاه انجام می‌شوند فراهم شود تا اطلاعات مربوط به این بخش از مصرف بنزین نیز با دقت بیشتری قابل بررسی باشد.

کارت سوخت شخصی خود را همراه نداشته باشند و در نتیجه سوخت‌گیری در جایگاه‌ها با مشکل مواجه شود. مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با اشاره به مصوبه هیئت وزیران در دوم آذرماه ۱۴۰۴ درباره مدیریت مصرف بنزین گفت: بر اساس مصوبه هیئت وزیران که با هدف استفاده حداکثری از کارت سوخت شخصی و جلوگیری از افزایش واردات بنزین تصویب شد، سازوکار سمنرخ‌شی شدن بنزین با نرخ‌های ۱۵۰۰، ۳۰۰۰ و ۵۰۰۰ تومان در دستور کار قرار گرفت. پس از اجرای این مصوبه سهم استفاده از کارت اضطراری جایگاه که پیش از آن حدود ۴۱ تا ۴۲ درصد بود به حدود ۲۵ درصد کاهش یافت. در این سازوکار نرخ سوخت‌گیری با کارت جایگاه نیز از ۳۰۰۰ به ۵۰۰۰ تومان رسید.

وی با اشاره به ابلاغیه هیئت وزیران به در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴ توضیح داد: هیئت وزیران به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور و با همکاری وزارتخانه‌های نفت، کشور و صنعت، معدن و تجارت و سایر دستگاه‌ها به استناد قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، برنامه جامع تخصیص حامل‌های انرژی در شبکه حمل‌ونقل کشور را تصویب کرد و بر اساس این

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران با اشاره به آمار سوخت‌گیری در نیمه نخست شهریورماه افزود: از میانگین روزانه ۱۴۴ میلیون لیتر بنزین مصرف‌شده در کشور ۵۹ درصد با کارت شخصی و ۴۱ درصد با کارت اضطراری جایگاه‌ها برداشت شده است.

وی با تشریح تفاوت میان استفاده از کارت سوخت شخصی و کارت اضطراری جایگاه توضیح داد: هنگامی که فردی با کارت سوخت شخصی سوخت‌گیری می‌کند اطلاعات مربوط به خودرو، میزان سهمیه، جایگاه مراجعه‌شده، استان و میزان سوخت برداشت‌شده قابل شناسایی است، اما در سوخت‌گیری با کارت اضطراری جایگاه مشخص نیست چه فردی با چه وسیله نقلیه‌ای و به چه میزان سوخت دریافت کرده است و صرفاً اطلاعات مربوط به جایگاه عرضه‌کننده سوخت در دسترس قرار دارد. ویس‌کرمی ادامه داد: با توجه به سیاست‌های قانون‌گذار و تأکید مجلس شورای اسلامی بر حداکثر شدن استفاده از کارت سوخت شخصی و حداقل شدن استفاده از کارت جایگاه در سال‌های گذشته اقداماتی برای محدود کردن استفاده از کارت‌های جایگاه انجام شد، با این حال اجرای برخی روش‌ها مشکلاتی برای مردم ایجاد می‌کرد زیرا ممکن بود افراد به دلایل مختلف



گنار بهرتوی مهر
رئیس‌نامه نگار

در جغرافیایی با بیش از ۳۰۰ روز تابش پرحرارت خورشید و کریدورهای بادخیز کم‌نظیر، دست‌کم روی کاغذ و پشت تریبون‌ها همه‌چیز مهبای یک جهش بزرگ است. با این حال، وقتی به بیلان تولید ناویژه برق نگاه می‌کنیم، سهم تجدیدپذیرها هنوز زیر سایه یک‌درصدی درجا می‌زند. تناقض تلخ ماجرا اینجاست که در میانه بحران ناترازی گاز و خاموشی‌های فصلی صنایع، مانع پیش‌روی مزارع خورشیدی و بادی نه عیار تابش آفتاب است و نه پیچیدگی‌های فنی توربین‌ها؛ سد اصلی، گره کوری است که به دست معادلات ناکارآمد مالی، نظام ناآگوک بانکی و تله‌های بوروکراتیک بسته شده است.

اگرچه طی دو سال اخیر موتور توسعه این نیروگاه‌ها با اتکا به منابع نفتی و محرک‌های مستقیم دولتی قدری شتاب گرفته، اما تاریخ اقتصاد انرژی نشان داده که تزریق قطره‌چکانی درآمد‌های هیدروکربوری به پروژه‌های سبز، در درازمدت تاب مقاومت در برابر تکانه‌ها را ندارد. واقعیت روشن است: گذار انرژی در ایران بدون باز کردن شاهراه سرمایه بخش خصوصی و تغییر ریل بازار برق، تنها در حد طرح‌های نمایشی باقی خواهد ماند.

روای ساخت یک نیروگاه خورشیدی پیش از آنکه به پتل و اینورتر برسد، در راهروهای دریافت مجوز زمین فرسوده می‌شود. در ساختار سنتی واگذاری اراضی، سرمایه‌گذار ناچار است ماه‌ها میان نهادهای متعدد سرگردان بماند؛ بی‌آنکه بداند نقطه پایان این استعلام‌های بی‌پایان کجاست. این باتلاکیفی ممتد نه‌فقط انگیزه بخش خصوصی را می‌سوزاند، بلکه محاسبات زمان‌بندی و ارزش زمانی پول را کاملاً به هم می‌ریزد. در سرمایه‌گذاری زیرساختی، زمان مستقیماً معادل پول است؛ وقتی واگذاری زمین مشخص نباشد، زنجیره بعدی که همان سفارش‌گذاری تجهیزات و برآورد مالی است، فلج می‌شود.

عبور از این رخوت بوروکراتیک نیازمند تغییر پارادایم است؛ دولت و استانداری‌ها به جای پاس‌کاری متقاضیان، باید پیش از فراخوان، پهنه‌های مستعد را

• سردبیر: مهرناز خوشبخت • گروه نفت انرژی: گلناز پرتوی-مهر • گروه اقتصاد: راضیه احمدوند • گروه زیربنایی: رضا پورحسین • گروه بازار و سرمایه: مریم زارغ پور • مدیر امور فنی: آرش اربابزاده • مدیر امور شهرستان ها: آمنه قدیم پرست مدیر امور مالی: زهرا طاهرووردیان • آدرس: خیابان انقلاب نرسیده به میدان فردوسی، بعداز پل کالج نشی کوچه براتی، پلاک ۱۶، طبقه ۶ واحد ۶ تلفن: ۰۲۱- ۶۶۷۱ ۳۰۶۹ ۶۶۷۲ ۶۷۹۰ • ایمیل: 1371jahan@gmail.com	تلفن سازمان آگهی ها: ۰۹۰۱۳۹۱۵۶۳۴ ۰۲۱-۶۶۷۲۶۷۹۰ • کد پستی: ۱۱۳۱۸۵۶۳۴ • روابط عمومی: ۰۹۱۲۰۳۹۳۳۵۸ • ۰۲۱-۶۶۷۲۶۷۹۰ • چاپخانه: چاپ شاخه سبز • پخش سراسری: احمد جراری • امور مشترکین دفتر مرکزی: ساختمان مرکزی روزنامه • تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۲۶۷۹۰ • جهان اقتصاد عضو شکل های صنفی «انجمن صنفی مدیران روزنامه های غیر دولتی»، «انجمن مدیران نشریات ایران» و «تامانی مطبوعات کشور» است.
---	---

- دوشنبه ۴ آبان ماه ۱۴۰۵
- سال سی و دوم • شماره ۹۰۸۶

خبر

تهران میزبان بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی صنعت تهران با حضور ۱۶۰ شرکت



بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی صنعت تهران از ۶ تا ۹ آبان ماه با حضور ۱۶۰ شرکت داخلی، شامل ۳۰ شرکت دانش بنیان، و مشارکت نمایندگان از پنج کشور خارجی برگزار می شود. این رویداد با هدف معرفی توانمندی های صنعتی، توسعه تعاملات تجاری و عرضه ماشین آلات و تجهیزات تخصصی، در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران برپا خواهد شد.

مرتضی دیلان، معاون نمایشگاه های داخلی شرکت سهامی نمایشگاه های بین المللی جمهوری اسلامی ایران، با اشاره به اهمیت این رویداد گفت: نمایشگاه ها وترین تجاری و اقتصادی کشور هستند و فرصتی برای معرفی محصولات، بازاربایی، توسعه ارتباطات تجاری و انعقاد قراردادهای جدید در اختیار شرکت ها قرار می دهند.

حمید لیلاز مهرآبادی، مدیرعامل شرکت بازرگانی بین المللی ایدرو، نیز با تأکید بر اهمیت برگزاری نمایشگاه در شرایط کنونی اظهار کرد: این رویداد علاوه بر کارکرد صنفی و اقتصادی، نشان دهنده تداوم فعالیت و پویایی ایران در عرصه صنعت و تجارت است.

وی با اشاره به تلاش مجموعه برگزارکنندگان برای برپایی این دوره از نمایشگاه افزود: برگزاری رویدادهای تخصصی صنعتی می تواند زمینه معرفی توانمندی های کشور، تقویت ارتباط میان فعالان اقتصادی و توسعه همکاری های تجاری را فراهم کند.

سحر علیپور، مدیر اجرایی نمایشگاه بین المللی صنعت تهران هم، با تشریح جزئیات اجرایی این رویداد گفت: ۱۶۰ شرکت داخلی در نمایشگاه حضور دارند که ۳۰ شرکت از میان آنها دانش بنیان هستند. سالن های ۳۱۸، ۳۱۶، ۳۸۸، ۳۸۵، ۴۱۸، ۴۱۶ و ۳۰B برای برگزاری این دوره اختصاص یافته اند. وی افزود: شرکت های چینی به صورت مستقل و مشارکت کنندگان دیگر کشورها از جمله آلمان، ژاپن، تایوان و هنگ کنگ عمدتاً از طریق نمایندگی های خود در نمایشگاه حضور خواهند داشت.

علیپور ساعت بازدید از نمایشگاه را ۸ تا ۱۵ اعلام کرد و گفت: با وجود شرایط اقتصادی موجود، میزان مشارکت نسبت به دوره گذشته کاهش نداشته و سالن های اختصاص یافته به نمایشگاه تکمیل شده اند. مهدی باقرپور، رئیس اتحادیه ابزارفروشان تهران، نیز با اشاره به سابقه ۲۶ ساله برگزاری نمایشگاه صنعت، نقش این رویداد را در معرفی ظرفیت های صنعتی و حمایت از تولید و تجارت مهم دانست.

باقرپور همچنین با اشاره به نقش دانش فنی و توانمندی های داخلی در تأمین نیازهای کشور، بر اهمیت حمایت از فعالان صنفی و بازرگانان و فراهم کردن بستر مناسب برای توسعه فعالیت های صنعتی تأکید کرد. بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی صنعت تهران از ۶ تا ۹ آبان ماه در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی تهران برگزار می شود.

خبر

ریزش تونل شماره ۵ چالوس برطرف شد



استان البرز، ریزش جزئی در تونل شماره ۵ جاده چالوس خبر داد و اعلام کرد که این حادثه برطرف شده است.

وی افزود: پس از وقوع ریزش، عوامل راهداری با حضور در محل، اقدامات لازم را برای ترمیم بخش آسیب دیده انجام دادند و مسیر پس از رفع مشکل بازگشایی شد.

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جادهای استان البرز تأکید کرد: در حال حاضر تونل شماره ۵ جاده چالوس ترمیم شده و برای تردد خودروها قابل استفاده است.

کارتون روز



اینفوگرافی



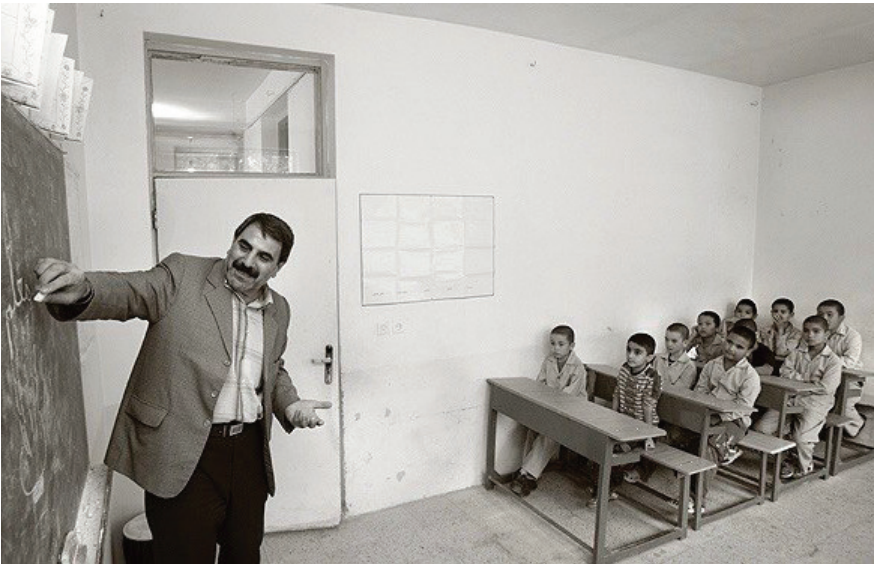
جهان اقتصاد بررسی می کند:

معلمان خسته در خط مقدم

خاص یا مناطق مرکز شهر با کلاس های ۱۵ تا ۲۰ نفره توزیع نمی شوند؛ عمده کسری فاحش معلم در مناطق روستایی، حاشیه نشین و دبیرستان های دولتی پرجمعیت نواحی فرودست متمرکز است. در نتیجه، دانش آموزانی که به دلیل موقعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده بیشترین نیاز را به معلمان خلاق، پرانرژی، مسلط به فناوری های نوین آموزشی و برخوردار از تاب آوری روان شناختی دارند با دبیرانی سالخورده، دچار فرسودگی شغلی و نگران معیشت روبهرو می شوند. این چرخه، نرخ ترک تحصیل پنهان، افت معدل در امتحانات نهایی استاندارد و سرخوردگی از مدرسه را در مناطق کمربرخوردار تشدید می کند.

افزون بر این تبدیل این تدبیر اضطراری به یک «رویه پایدار سالانه»، پویایی بازار کار آموزش و توسعه انسانی کشور را منجمد کرده است. هم اکنون هزاران فارغ التحصیل جوان رشته های علوم پایه، علوم انسانی و هنر و پذیرفته شدگان چندبرابر ظرفیت آزمون های استخدامی که انگیزه و توان به کارگیری ابزارهای آموزشی معاصر را دارند، پشت سدهای گرینش و کمبود سهمیه های رسمی استخدام معطل مانده اند. وزارتخانه با انتخاب گزینه ارزان تر «خرید خدمات ساعتی بدون تعهد بازنشستگی» از پیشکسوتان، مسئولیت استخدام پایدار جوانان، بار مالی پرداخت حق بیمه بازنشستگی سهم کارفرما و سرمایه گذاری بلندمدت بر توانمندسازی نومعلمان را از دوش ساختار بودجه ای خود برمی دارد؛ رفتاری که در ادبیات اقتصادی، چیزی جز «تأمین کسری بودجه از محل افت سرمایه انسانی آینده» نیست.

در برآیند کلی، واقعیت میدانی آموزش و پرورش ایران نشان می دهد که الگوی تدریس ۲۴ ساعته بازنشستگان نه یک دستوراد مدیریتی بلکه نشانه آشکار شکست برنامه ریزی استراتژیک در تأمین نیروی انسانی است. این مسکن های موقت اگرچه ممکن است بیلان آماری مدیران را در بولتن های دولتی با ادعای پر بودن صندلی معلمان تزئین کنند اما هزینه گزاف آن با از دست رفتن انگیزه دانش آموزان نسل زد و آلفا، خستگی مفرط بازنشستگان تحت فشار معیشت و زوال تدریجی مدارس دولتی پرداخت می شود. برون رفت از این بن بست مستلزم کنار گذاشتن راهکارهای ارزان قیمت، ارتقای جبهشی بودجه استخدام رسمی، بازنگری بنیادین در ظرفیت های تربیت معلم و تعریف بسته های حمایتی شرافتمندانه برای بازنشستگان در ازای ساعات محدود مشاوره و نظارت کیفی نه ایستادن ۲۴ ساعته در خط مقدم فرساینده کلاس های درس خواهد بود. تا زمانی که این چرخش رویکرد رخ ندهد، صندلی معلم در مدارس دولتی همچنان شاهد تکرار سناریوی تلخ فرسودگی متقابل دانش آموز و آموزگار خواهد بود.



پاییز سال گذشته، میانگین حق التدریس ساعتی به حدود ۱۸۰ هزار تومان رسیده است؛ رقمی که به ظاهر رشد داشته اما به دلیل سازوکارهای میووب مالی به ابزاری برای نارضایتی عمیق بدل شده است. یکی از فعالان و نمایندگان تشکل های صنفی معلمان با بازخوانی این چالش می گوید: «معلم بازنشسته ای که ۲۴ ساعت تدریس تمام وقت بر عهده می گیرد دقیقاً همان بار مسئولیتی، تصحیح اوراق امتحانی، تدوین طرح درس و جلسات اولیا و مربیان را بر دوش دارد که یک معلم رسمی ۳۵ ساله متحمل می شود. با این حال، او نه از حق بیمه کامل کارگری و امنیت تکمیلی برخوردار است، نه مشمول عیدی و پاداش سنوات تدریس اضافی می شود و نه امنیت شغلی حداقلی برای فردای بیماری دارد. اگر این همکار بر اثر افت فشار سر کلاس دچار سانحه شود، قراردادش یک ساعته لغو می شود. از آن بدتر، فرآیند تسویه حساب است در حالی که هزینه های معیشت روزمره و نقد است. مطالبات حق التدریس بازنشستگان و نیروهای آزاد معمولاً با تأخیرهای پنج تا هشت ماهه واریز می شود. ارزش ریالی دستمزدی که در اسفندماه برای کار همراه پرداخت می شود در تورم ساختاری عملاً نود می شود. نظام اداری در واقع به بازنشستگان به چشم ارتشی از کارگران ارزان قیمت، بی دردرس و بدون تعهد استخدامی می نگرد تا شکاف های بودجه ای خود را پر کند.»

این مدل جبران کسری، کانون بازتولید نابرابری اجتماعی است. معلمان بازنشسته ای که ناچار به پذیرش ساعات سنگین تدریس می شوند در مدارس برخوردار و غیرانتفاعی های

«حسین. م.» ۶۱ دیر ساله درس ادبیات فارسی در یکی از دبیرستان های دولتی متراکم حاشیه شهر، نمونه ای عینی از هزاران فرهنگی بازنشسته ای است که تحت جبر هزینه های زندگی ناچار به پذیرش ابلاغ ۲۴ ساعته شده است. او وضعیت میدانی کلاس هایش را این گونه تشریح می کند: «وقتی معلمی بازنشسته می شود، یعنی ذخیره فیزیولوژیک و توان عصبی او پس از ۳۰ سال ایستادن در برابر گچ و تخته به پایان رسیده است. اما با تورم انفارگسیخته فعلی و بدهی های معیشتی، نمی توان خانه نشین شد. روی کاغذ، ۲۴ ساعت تدریس فقط یک عدد در سامانه ابلاغ است اما در کف مدرسه یعنی چهار روز پیایی از ساعت ۷:۳۰ صبح تا ۱۲:۴۵ ظهر، چشم درچشم ۴۲ نوجوان پرانرژی ایستادن. متولدین نسل جدید با ریتم های شتابان فضای مجازی رشد کرده اند، پردازش اطلاعاتشان ثانیهای است و نیازمند یادگیری تعاملی، چندرسانه ای و پروژه محور هستند. معلمی با ۶۰ سال سن، وقتی به زنگ سوم می رسد از نظر فیزیکی دچار افت تمرکز شدیدی می شود. تارهای صوتی ام دیگر پاسخگو نیست و آرتروز زانو اجازه تحرک پویا در میان نیمکت ها را نمی دهد. نتیجه چیست؟ معلم خسته ناچار است شیوه کلاس داری را به جزوه گویی یک طرفه و سکوت اجباری تقلیل دهد تا صرفاً زنگ پایان به صدا درآید. این شیوه آموزش نیست، وقت کشی اضطراری است.»

این روایت صرفاً به فرسودگی فردی محدود نمی شود بلکه به طور مستقیم به ساختار استعماری روابط کار و شیوه پرداخت در این الگو گره خورده است. بر اساس مصوبات

تمرکز زدایی از تهران با کنترل بارگذاری جمعیتی و بازتوزیع فعالیت ها امکان پذیر است



تأمین مسکن منجر می شود، گفت: جمعیت مجموعه شهری تهران و البرز بیش از ۱۶ میلیون نفر است، در حالی که ظرفیت جمعیت پذیری پیش بینی شده در طرح های جامع و تفصیلی مصوب این منطقه حدود ۲۱ میلیون اعلام شده است.

به گفته وی، در سال های اخیر نیز ظرفیت دیگری بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر در چارچوب نهضت ملی مسکن ایجاد شده است. وی تأکید کرد: این برنامه با هدف محدود کردن دسترسی مردم به مسکن تدوین نشده، بلکه به دنبال مدیریت علل شکل گیری مشکلات شهری و جلوگیری از تشدید تمرکز جمعیت و فعالیت در تهران است. بر این اساس، تأمین مسکن باید در چارچوب ظرفیت های مصوب و با توجه به زیرساخت ها و ملاحظات زیست محیطی دنبال شود.

مسکونی، اداری، تجاری و صنعتی، از نرخ رشد جمعیت پیشی گرفته است. به گفته وی، این روند به تغییر کاربری بخشی از اراضی کشاورزی پیرامون شهرها و گسترش مسائل مرتبط با فقر شهری و سکونتگاه های غیررسمی دامن زده است.

تأکید بر اجرای طرح های جامع و تفصیلی
ساعد با تأکید بر اینکه برنامه اقدام ساماندهی تهران و البرز به معنای ممنوعیت ساخت و ساز در این دو استان نیست، گفت: ممنوعیت مورد تأکید این برنامه، ناظر بر ساخت و ساز و بارگذاری جمعیتی و فعالیت خارج از چارچوب طرح های جامع و تفصیلی مصوب است؛ طرح هایی که ظرفیت جمعیت پذیری و توسعه هر شهر را مشخص کرده اند.

وی افزود: هرگونه افزایش بارگذاری فراتر از ظرفیت پیش بینی شده، فشار مضاعفی بر زیرساخت ها، شبکه حمل و نقل، خدمات شهری و منابع محیطی وارد می کند. بر همین اساس، لازم است ضوابط مصوب به طور کامل اجرا شود و از قانونی جلوه دادن تخلفات در زمینه توسعه شهری جلوگیری شود.

مدیرکل دفتر طرح ریزی شهری و طرح های توسعه و عمران وزارت راه و شهرسازی همچنین درباره اراضی کشاورزی و باغی اظهار کرد: برنامه بر ممنوعیت بارگذاری در این اراضی و اجرای دقیق قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ ها و آیین نامه های مرتبط تأکید دارد؛ البته این موضوع به معنای ممنوعیت مطلق همه فعالیت ها نیست و باید در چارچوب ضوابط قانونی اجرا شود.

ظرفیت تأمین مسکن در طرح های مصوب

ساعد با رد این برداشت که برنامه ساماندهی تهران و البرز به محدودیت